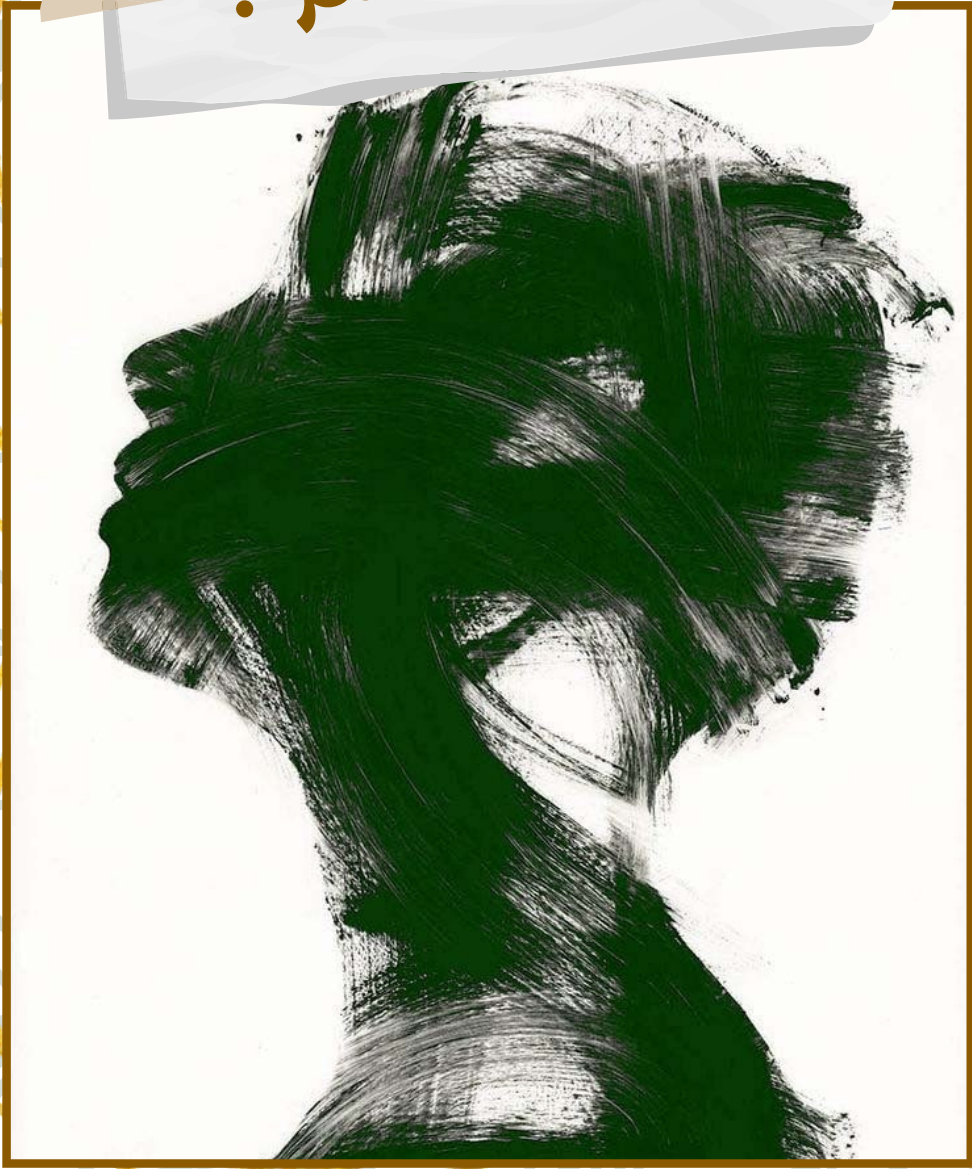


من کیستم؟



درس دوم : امنیت

درس دوم: امنیت

• خوش آمد گویی: ۳ دقیقه

با نوجوانان ، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمن یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و یک نکته قابل توجه و جالب در مورد خودشان با سایرین در میان بگذارند.

• بازی: ۱۵ - ۲۰ دقیقه

بازی گروهی نقاشی با چشم بسته

برای انجام این بازی تنها به یک خودکار و کاغذ نیاز دارید. یک سوزنه خیلی سخت، برای نقاشی انتخاب کنید. مثلاً کشیدن یک آدمک، حالا با دستمال چشم طرف مقابل را ببندید و او باید با چشم بسته شکل یک آدمک را بکشد و اجزای صورت و بدن او را در جای مناسب نقاشی کند. با اتمام این بازی خواهی دید، خیلی هم ساده نیست و کشیدن شکل‌های بامزه در هنگام بسته بودن چشم چقدر شما را به خندیدن وامی‌دارد.

• از یکدیگر می شنویم (پیش درآمدی بر تعلیم): ۵-۱۰ دقیقه

با طرح چند سوال از نوجوانان آنها را برای تعلیم آماده کنید، از آنها بخواهید به سوالات زیر جواب بدهند. بهتر است که همه در پاسخ به سوالات مشارکت داشته باشند.

۱- امنیت چیست؟

۲- تا چه اندازه امنیت ما به ثروت، مقام، یا شهرتمان متکی است؟

امنیت به معنای احساس آرامش ، آسودگی ، وایمنی است.

احساس امنیت دارای اهمیت و نقش بسیار حساسی در ابعاد مختلف زندگی انسان است. و نیاز به امنیت هم از قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین نیازهای انسان‌هاست ، به طوری که انسان‌ها در هیچ برهه‌ای از زمان برای تأمین امنیت خود بی تفاوت نبوده‌اند و چه بسا هزینه‌های زیادی را برای تأمین امنیت و آرامش خود پرداخت کرده اند .

جهت اطلاع مربی : به یاد داشته باشیم که جوی را در جلسه ایجاد کنیم تا نوجوانان بتوانند به راحتی صحبت کنند، و حتی کسانی که صحبت نمی کنند را تشویق کنیم تا در این بحث و گفتگو شرکت کنند تا صدای آنها هم شنیده شود برای مثال: (اسم یکی از نوجوانان که صحبت نمی کند را ببرید و از او بخواهید تا در این مورد نظرش را بیان کن) تا در این مشارکت فعالیت داشته باشد.

تعلیم : ۱۵-۲۰ دقیقه

چه می خواهید؟

اولین سئوالی که عیسی مسیح از پیروانش پرسید این بود، که چه می خواهید؟

عیسی روی گرداند و دید که از پی او می‌آیند. ایشان را گفت: «چه می‌خواهید؟»

یوحنا ۱: ۳۸

عیسی مسیح از پیروانش در مورد، خدا، گناه، ثروت، ویا شهرتشان پرسید. بلکه از آنها مختصر کوتاه پرسید، که حقیقتا به دنبال چه چیزی هستید؟

با این سوال، عیسی مسیح به شاگردانش این فرصت را میدهد تا قلب و فکر خود را کندوکاش کنند، تا ببینند در واقع به دنبال چه چیزی در زندگی خود هستند. چه چیزی برای آنها داری اهمیت و ارزش است. چه چیزی امنیت واقعی را در مسیر زندگی آنها ایجاد می‌کند؟

همه آدم‌ها یک سری اهداف و برنامه‌ها در زندگی دارند که برای رسیدن به آن اهداف و برنامه‌ها تمام تلاش خود را می‌کنند و بعضی نیز برای رسیدن به آن اهداف و برنامه حاضر هستند دست به هرکاری بزنند. شاید هیچ چیز غم‌انگیزتر از این نباشد که عمر و وقت و زندگی‌مان را در جستجوی هدفی اشتباه صرف کرده باشیم.

کسانی هستند که تمام زندگی‌شان را در جستجوی چیزی هستند که پیدا کنند یا بخرند یا به دست بیاورند و بعد، می‌فهمند که تمام مسیر را اشتباه رفته و نه تنها چیزی را که در پی آن بوده‌اند به دست نیاورده‌اند بلکه خلا درونی آنها وسیعتر و تاریک‌تر شده است و نیازشان نیز برطرف نشده است. و این خلا به آنها اجازه نمی‌دهد تا به این سوال پاسخ دهند، که حقیقتا چه می‌خواهند؟

اکثر ما به دنبال اهدافی هستیم، تا این اهداف را به دست بیاوریم مثل قدرت، ثروت، بعضی وقت‌ها هم اهداف ما خوب هستند به طور مثال شادی، آرامش و مهمتر از همه این‌ها امنیت است، امنیتی که متزلزل نباشد و با تغییر شرایط و موقعیت از بین نرود و پایدار و ابدی باشد. اما همیشه مطمئن نیستیم که کجا و چطور آن را پیدا کنیم و بدست بیاوریم.

امنیت برای همه ما بسیار ارزشمند و لذت بخش است، هر فردی در این دنیا، سخت در جستجوی امنیت و آرامش درون است.

انسان از حس ایمنی و امنیت لذت می‌برد همانطور که در ابتدای خلقت از آن در حضور خدا لذت می‌برد و در آنجا تمام نیازه‌های او برآورده می‌شد. همانطور که در کلام خداوند در پیدایش ۱: ۲۷-۳۰ چنین ثبت شده است: پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جاندار که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید.» آنگاه خدا گفت: «اینک همه گیاهان دانه‌دار را که بر روی تمامی زمین است و همه درختان دارای میوه دانه‌دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد. و به همه وحوش زمین و همه پرندگان آسمان و همه خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همه گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم.» و چنین شد... در باغ عدن در حضور خداوند از آدم و حوا به خوبی مراقبت می‌شد. و تمام نیازهای آنها برآورده می‌شد. و آنها با خداوند راه می‌رفتند و در حضور خدا ایمن و امن بودند. تا زمانی که متسفانه موقعیت عالی آدم و حوا در باغ عدن بخاطر وعده فریبنده و دروغین شیطان و گناه از هم پاشید و ارتباط خود را با خدا به سبب گناه از دست دادند با از دست دادن رابطه خود با خدا امنیت خود را نیز از دست دادند و تاثیراین نا امنی بر زندگی فرزندان آنها و نسل بشر تا به امروز هم قابل مشاهده است.

دویدن در پی ثروت و قدرت، وعده‌ای است که امروزهم شیطان و این دنیا به افراد می‌دهد به این امید که انسان در درون خود احساس امنیت و آرامش کند. بسیاری نیز به مشروبات الکلی و حتی مواد مخدر متوسل می‌شوند تا بلکه ساعاتی را بدون دغدغه و اضطراب و نگرانی و در آرامش و امنیت سپری کنند. اما همه اینها چیزی به غیر از آرامشی گذرا و امنیتی متزلزل و سست ارائه نمی‌دهند. چه بسا قدرتمندانی که در رأس حکومت‌ها قرار دارند یک‌شبه از تخت قدرت به زیر کشیده شده و می‌شوند. چه بسا ثروتمندانی که یک‌شبه تمامی ثروت خود را از کف می‌دهند و در نهایت همه این‌ها باخود نا امنی بزرگی را ببار می‌آورد.

این نا امنی یعنی وابستگی به چیزهای فانی و موقتی که هیچ‌گونه حق یا قدرتی، ما برای کنترل آن‌ها نداریم. وقتی به ارزش‌ها و روابط فانی اعتماد می‌کنیم همیشه با عدم امنیت مواجه هستیم، چرا که این ارزش‌ها و روابط محکوم به فنا هستند. امنیت کاذبی که دنیا به ما می‌دهد هیچ تضمینی ندارد و هر آنچه که اکنون داریم روزی از دست خواهیم داد، ثروت می‌تواند از بین برود، زیبایی محو می‌شود، روابط از هم گسیخته گردد، از مرگ نیز گریزی نیست.

لذا امنیت و آرامش واقعی را باید ورای این زندگی جستجو کرد. امنیت و آرامش واقعی هرگز متزلزل نمی‌شود و با تغییر شرایط نیز پایدار می‌ماند کلید تجربه امنیت واقعی در زندگی این است که خود را وابسته به چیزهای ابدی بدانیم و نه موقتی که هیچ‌گونه کنترلی بر آنها نداریم.

فقط زمانی می‌توانیم با سختی‌های حتمی این زندگی روبه‌رو شویم که امنیت و آرامش ما متکی باشد به خدا و ذات تغییر ناپذیر او، پس حس امنیت تنها منوط به چیزی است که ریشه در ابدیت دارد.

هیچ چیز در زندگی انسان ارزشمندتر از امنیت در حضور خدا نیست. امنیتی که ابدی و تغییر ناپذیر است احساس امنیت خواهی کرد، زیرا که امید داری؛ به اطراف خواهی نگرست، و در امنیت خواهی آرمید.

ایوب ۱۱:۱۸

آرامش و امنیت احساسی است که از درون انسان نشأت می‌گیرد و عاملیست درونی و نه بیرونی، و ارتباط عمیقی با رابطه ما با خدا دارد. آرامش و امنیت در خداوند چیزی است که هر روزه در دنیای درون خود به آن احتیاج داریم تا بتوانیم در دل طوفان‌ها و تاریکی‌های دنیای بیرون که در حال گسترش است مقاومت کنیم و چقدر مهم می‌باشد تا بدانیم که حقیقتاً در زندگی به دنبال چه چیزی هستیم. و در نهایت آرامش و امنیت ما تنها در زندگی جاودانی که در مسیح داریم یافت می‌شود.

کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ سختی یا فشار یا آزار یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟ چنانکه نوشته شده است: «ما همه روز، به خاطر تو به کام مرگ می‌رویم و همچون گوسفندان گشتاری شمرده می‌شویم.» به عکس، در همه این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطه او که ما را محبت کرد. زیرا یقین داریم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی، و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.

رومیان ۸: ۳۵ - ۳۹

گفتگو :

در رویارویی با موقعیت های و شرایط سخت زندگی چقدر اجازه می دهید تا آرامش و امنیت خدا هرروزه در قلب و جان تان ساکن شود؟

چه کاری برای ورود به این آرامش و امنیتی که خدا به شما داده است انجام می دهید؟

• تعمقی بر تعلیم و جمله طلایی: ۱۵-۲۰ دقیقه

از نوجوانان بخواهید که بر تعلیم امروز تعمق کنند. با توجه به آموخته های امروز جمله طلایی خود را با سایرین در میان بگذارند.

احساس امنیت خواهی کرد، زیرا که امید داری؛ به اطراف خواهی نگرست، و در امنیت خواهی آزمیید.

ایوب ۱۱:۱۸

• قدم عملی ۱۰ دقیقه :

از نوجوانان بخواهید که در طول این هفته به این موضوع فکر کنند :

۱- به مواقعی فکر کنید که احساس عدم امنیت کرده اید و به چیزهای موقتی دل بسته بودید؟

رومیان ۸ : ۳۵-۳۹ رابخوانید و برخی از موضوعات کلی را که در این فهرست (مصیبت، دلتنگی، جفا، قدرت و چیزهای حال) آمده با موارد خاصی که در زندگی شما وجود دارد جایگزین نمایید. سپس در این مورد فکر کنید که با توکل به وعده خدا از چه مقدار امنیت بیشتری می توانید برخوردار شوید و مطمئن باشید که هیچکدام از موارد ذکر شده قادر نیستند شما را از محبت مسیح جدا سازد.

• دعا و پرستش: ۸ - ۱۰ دقیقه

• [این را دائم که هستی هر دم به یادم](#)

• [تو را می پرستم](#)